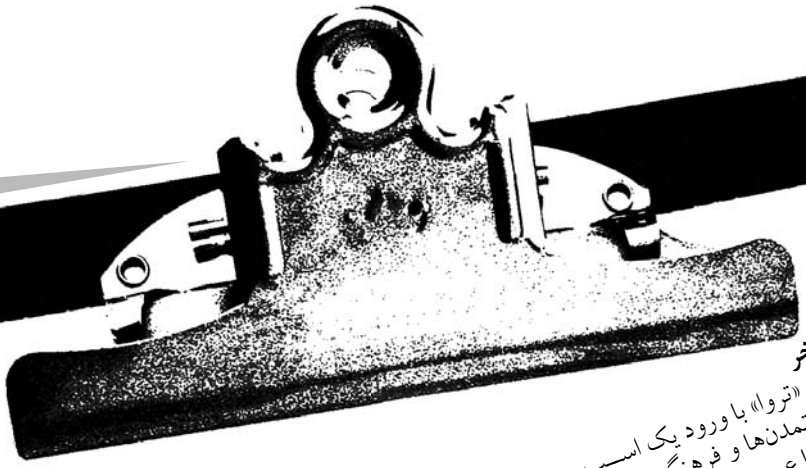

حرف آخر

* سقوط «تروا» با ورود یک اسب چوبی، افسانه باشد یا واقعیت؛ پرده از وقایعی از تاریخ برمی‌دارد که سرنوشت بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ را تغییر داده است. تاریخ پُر است از عبور چهره‌ها، سازمان‌ها و حتی شعارهای زیبا و فریبنده که با عبور از دروازه‌های تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و باز کردن قلعه‌ها به روی دشمن، فروپاشی تمدن و فرهنگی را رقم زده‌اند؛ کسانی که پس از رسیدن به هدف، نقاب از چهره گشوده و هویّت واقعی خویش را نمایان ساخته‌اند. کافی است تاریخ را ورق زد، علل سقوط تمدن‌ها و امپراطوری‌های بزرگ و چگونگی خویش را نمایان ساخته‌اند.

* اگر هیچ کتاب و مقاله‌ای دربارهٔ فراماسونری نوشته نشده بود و اگر هیچ مورّخی وجود سیستم و سازمانی به نام «فراماسونری» را تأیید نکرده ملی را مطالعه کرد و یا پای قراردادهای ننگین استعماری را دید و خط خیانت را بازخوانی کرد. ماسونی به اعضا به چاپ نرسیده بود، هیچ عکسی از لژها و مراسم تحلیف و اعطای مقام بود، باز همهٔ دینداران و آزادمردان جهان از محسوس بودن جریانی سخن به میان می‌آوردند که در گذرگاه‌های بسیار حساس؛ تاریخ را به ویژه در دویست سال گذشته، به نفع طاغوت‌ها و کافران و زرسالاران تغییر داده است. یا از کسانی سخن به میان می‌آوردند که در لباس خودی، زمینه را برای سیطره بیگانگان فراهم کرده و می‌کنند؛ کسانی با بینش، نگرش و گرایش مشترک در حوزه‌های گوناگون و دارای یک موضع همسو در برابر ادیان و پیامبران الهی ... و با سر دادن یک شعار واحد که امروزه ما آنان را «ماسون» می‌خوانیم.

* فراماسونری، نظامی است فکری بر پایهٔ جهان‌بینی مادی که اعضای وابسته به آن همه در خدمت یک لژ و همهٔ آن لژها در خدمت معدود شخصیت‌هایی هستند که برای تسلط بر جهان و به اسارت گرفتن نوع بشر، خط نفوذ را در بین نخبگان همه ملل و ادیان، سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند. اگر فراماسونری را جلوه نوین شیطان در عصر کنونی بنامیم، مبالغه‌آمیز نیست؛ چرا که نه تنها این جریان همهٔ انسان‌ها را به سوی فساد و فحشا، تباهی و خیانت و بالاتر از آن به کفر و شرک فرامی‌خواند، بلکه عملاً به تبلیغ فرقه‌های شیطان‌پرستی می‌پردازد و در تلاش است نمادهای شیطان‌پرستی را مدالی بر سینهٔ بشریت بخواند.

* پیروزی انقلاب اسلامی نقطهٔ پایانی بر سیطرهٔ فراماسونرها بر ساختار سیاسی و فرهنگی ایران بود؛ به گونه‌ای که به اعتراف بسیاری، پس از انقلاب، ماسون‌ها حتی جرئت برپایی نشستی مخفی و رسمی در ایران را پیدا نکردند و فراماسونری به سرزمین مادری خود یعنی اروپا و آمریکا بازگشت.

پس از جنگ تحمیلی و آغاز دولت سازندگی و سپس به درون نظام و مدیریت کشور در دوران و شهادت همراه بود، «در ۲۸ آذر ۱۳۶۹ کیهان هوایی به نقل از خبرگزاری یو گسلاوی سابق خبر داد که فراماسونرهای ایرانی در تلاشند تا ایدئولوژی خود را به عنوان محور مبارزات اپوزیسیون خارج از کشور مطرح کنند.» این حرکت پس از ورود اپوزیسیون به داخل کشور در دوره سازندگی و شخصیت‌های سیاسی جلو آمده است که غفلت از آن می‌تواند اصلاحات، امروز به مراکزی در نهادهای کلیدی در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون روبه‌رو سازد.

* هشدار علامه مصباح به شنیده شدن شعارها و مظاهر این جریان در برخی از گفتارها و رفتارها و اعلام خطر نسبت به فرقه‌سازی از سوی برخی از افراد با ویژگی‌های این جریان، حکایت از حرکتی دارد که مقابله با آن، در گام نخست نیازمند رصد و اطلاع‌رسانی و بیان شاخص‌های آن است؛ گامی که می‌تواند اسلام و انقلاب را در برابر فتنه‌های نو با نقاب‌های نو واکسینه کند و مانع ورود چهره‌های مزوّر به قلعه انقلاب و قلعهٔ دل‌های مؤمنانی شود که در طول ۳۳ سال به ویژه در انتخابات سال ۸۴ و ۸۸ به تکلیف خود عمل کردند؛ گامی که بی‌شک شادی روح امام راحل و شهیدان خونین کفن این دیار را در پی خواهد داشت.